

چگونگی حق مالکیت فکری و مبانی فقهی آن در رسانه‌های جدید

کمال اکبری*

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی حق مالکیت فکری و مبانی فقهی آن در رسانه‌های جدید است

روش‌شناسی: این مقاله می‌کوشد با روش تحلیلی اجتهادی به شناسایی مفهوم کی‌رایت و نحوه ارتباطش با مالکیت فکری پرداخته و سپس عناصر تشکیل‌دهنده این مفهوم و جایگاهش در قوانین و مبانی آن را شرح دهد و ضمن بیان دیدگاه فقهی در این خصوص به بررسی و تبیین فقهی این مفهوم و اثرگذاری آن در نظام اجتماعی بپردازد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۹ قانونی با نام «قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای» به تصویب رسید که به موجب آن، حمایت ملی از مالکیت فکری در ایران گسترش یافت. اختلاف دیدگاه نسبت به مشروعیت مالکیت فکری در میان فقها سبب ارائه فتاوی مختلف در این خصوص شده است.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌ها راه‌حل‌هایی جهت بهبود استفاده از فضای رسانه‌ای دیجیتال با پیروی از مفاهیم مالکیت معنوی، می‌توان تدارک دید؛ ۱. لازم است مؤلفین و صاحبان اثر با

حقوق خود در این حوزه آشنا گردند و در فرآیندهای تولید تا توزیع و تکثیر، آن‌ها را به‌کار بگیرند. ۲. با توجه به پذیرش بعد معنوی و اخلاقی حقوق مالکیت معنوی از سوی فقها و صاحب‌نظران اسلام، می‌توان در برخی موارد که مفاهیم بین‌المللی مالکیت معنوی به‌سختی از سوی کاربران و مصرف‌کنندگان پذیرفته می‌شوند، با رجوع به آموزه‌های دینی در این حوزه، کمبودهای مورد نظر را پوشش داد. ۳. فقهای شیعه نسبت به کپی‌رایت نگاه‌های متفاوتی دارند، اما زمینه‌های مساعد فکری برای تبیین بیشتر آن و موضوع‌شناسی دقیق‌تر وجود دارد تا براساس آن برخی گره‌های موجود در این زمینه مرتفع گردد.

کلیدواژه‌ها: مالکیت فکری، حق کپی‌رایت، مالکیت ادبی و هنری، رسانه‌های دیجیتال

مقدمه

دستیابی به اطلاعات و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای به‌دست آوردن اطلاعات در عصر کنونی با توجه به گسترش فناوری‌های جدید و به‌وجود آمدن شبکه‌های مختلف و به‌هم‌پیوسته اطلاعاتی در جهان امری آسان و ساده شده، اما در کنار این امر تضادها و تعارض‌هایی در تصاحب اطلاعات و یا سرقت اطلاعات را به‌وجود آورده است. شبکه جهانی اینترنت که فضای وسیعی برای دستیابی به اطلاعات را فراهم کرده، در کنار آن منجر به حضور افراد ناشناس و ناقض حقوق دیگران در این عرصه را در پی داشته است. در فضای مجازی حق مؤلف، حق دارنده‌ی اطلاعات و یا سرمایه‌گذاران اطلاعاتی مورد دستبرد افراد قرار می‌گیرد. در فضای مجازی کنونی که با عنوان فضایی بی‌مرز نیز شناخته می‌شود نگهداری و صیانت از اطلاعات امری مهم است و همچنین قوانین و مقررات لازم برای صیانت از اطلاعات در مرزهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نقش بسیار گسترده‌ای پیدا کرده است.

گسترش فناوری‌های نوین و حضور آثار زیاد و داده‌های لازم در عرصه اینترنت و فضای مجازی منجر به این شده که بحث از مالکیت معنوی و همچنین مالکیت فکری در عرصه شبکه‌های مجازی و اینترنت بحث مهم و قابل توجهی باشد. از سوی دیگر امروز با توجه به اینکه

تجارت و درآمد اقتصادی در حوزه علم و فناوری‌های مختلف و تولید نام‌های مختلف در کالاهای تجاری و صنعتی بحث از مالکیت فکری، حق مؤلف و مالکیت معنوی را گسترده‌تر کرده است و به همین دلیل امروزه حقوق مؤلفین و تولیدکنندگان آثار ادبی اعم از کتاب، قصه، متون روزنامه‌های مختلف و همچنین سایت‌های اینترنتی و کالاهای مادی و کالاهای فرهنگی همه این‌ها در حوزه کپی‌رایت مورد توجه قرار گرفته‌اند و باتوجه به گسترده شدن صنعت چاپ و همچنین منابع انتشار آثار و سهولت انتشار آثار میزان سوءاستفاده و تعارض و تخلف را بالا برده و اتخاذ راهکارهای لازم در این خصوص را دوچندان نموده است.

اولین بار کپی‌رایت از طریق «کنوانسیون برن» وارد عرصه بین‌المللی جهت حمایت از کالاهای ادبی و هنری شد و پس از آن هم مقررات مختلفی در سال‌های بعد در خصوص حمایت از کالاهای فرهنگی در سازمان‌های بین‌المللی از جمله یونسکو مورد توجه قرار گرفت (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

سه دسته افراد ذی‌حق مهمی در حوزه کپی‌رایت در جامعه وجود دارد که شامل (۱) تولیدکنندگان آثار هنری و مؤلفین منابع مختلف که کالای خودشان را ارائه می‌کنند (۲) توزیع‌کنندگانی که اقدام به توزیع این آثار می‌کنند و (۳) مصرف‌کنندگان کالاهای تولیدشده که هرکدام از این‌ها باید با اطلاع‌رسانی لازم و همچنین فهم حقوق و مقررات و جایگاه خودشان از حقوق گفته‌شده بهره‌مند شوند. باتوجه به اینکه این مسئله در جامعه اسلامی ایران در حوزه مباحث فقهی و حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد و مبنای فقهی مورد نظر در این حوزه مورد تأکید دسته‌های ذی‌حق هستند و از سوی دیگر مورد تأکید نظام سیاسی نیز هست باید بدان توجه لازم معطوف گردد.

«مالکیت معنوی»^۱ که برخی آن را «مالکیت فکری» نیز می‌گویند به دو شاخه «مالکیت صنعتی» و «مالکیت ادبی و هنری» تقسیم می‌گردد و مالکیت ادبی و هنری خود به دو زیرشاخه «حقوق مؤلف» و «حقوق مرتبط» قابل تفکیک است. اصطلاح «حق مؤلف» به سبب توجه زیادی که به پدیدآورنده دارد، بیشترین کاربرد را در حقوق رومی-ژرمنی دارد. این

اصطلاح معادل «حق نسخه‌برداری» می‌باشد که در معنای کپی‌رایت آورده شده است. حق نسخه‌برداری ترجمه‌ای از عبارت کپی‌رایت است که اولین بار در سال ۱۸۸۶ در کنوانسیون برن مطرح شده و سپس وارد عرصه بین‌المللی شد که به مسئولیت حمایت از کالاهای ادبی و هنری اشاره دارد (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۵۱). گرچه این مفهوم پیش از ظهور رسانه‌های دیجیتال شکل گرفت، ولی کاربرد عمده آن در حوزه کالاهای معنوی می‌باشد و از آن جهت که امروزه بیشتر در این حوزه به کار می‌رود، بنابراین می‌توان آن را معادل حقوق مالکیت در فضای مجازی نیز دانست.

توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شبکه‌های اطلاع‌رسانی و نشر الکترونیکی، امکان نقض قوانین حق مؤلف و تولیدکنندگان و توزیع کنندگان را افزایش داده است. کپی‌رایت حقی است که موجبات حمایت قانونی از پدیدآورنده کالای فرهنگی، ادبی و هنری را فراهم می‌آورد، به نحوی که پدیدآورنده بتواند به انتشار، تکثیر و فروش کالای خود بپردازد، بدون اینکه متضرر زیانی شود. حق مالکیت معنوی را می‌توان حقی عمومی دانست که به کالا یا محتوای خاصی تعلق ندارد، به این معنا که مفهومی فراگیر است و همه رسانه‌ها و محتواها را در بر می‌گیرد؛ چه رسانه‌های دیداری، چه شنیداری، چه مکتوب و چه رسانه‌های دیجیتال. چرا که رسانه‌ها بستری برای نشر کالاهای فرهنگی و معنوی هستند، بنابراین شامل هر نوع حقوقی که بر کالا مترتب باشد، می‌گردند. رسانه‌های دیجیتال و دنیای مجازی در عرصه حقوق مالکیت فکری آسیب‌پذیرترند و نیاز به حمایت قانونی بیشتری دارد؛ چون بحث مالکیت معنوی و البته فضای دیجیتال، مبحثی نو و بدیع است. بنابراین شاهد این هستیم که هنوز پژوهش‌های موثری در این حوزه صورت نگرفته که همین موجب بروز چالش‌های گسترده‌ای در این زمینه شده است. بازیگران عمده این صنعت که به سه دسته کاربران (مصرف کنندگان)، مؤلفین (تولیدکنندگان) و واسطه‌گران (توزیع کنندگان) تقسیم می‌شوند در مسائل مالکیت معنوی، به طور همزمان می‌توانند باعث آسیب زدن به محتوای تولیدشده و یا حفاظت از این محتوا شوند. از سوی دیگر پیگیری مبنایی این بحث در مباحث فقهی و تبیین مسائل موردنظر و ارائه پاسخ در این خصوص از اهمیت بیشتری برخوردار

است. همان‌طور که بیان شد سه دسته بازیگر عمده در این بین نقش دارند. نمی‌توان بدون در نظر گرفتن آن‌ها به تبیین و تشریح مالکیت معنوی و کپی‌رایت در فضای دیجیتال پرداخت. دسته اول تولیدکنندگان و یا مؤلفین هستند که کالاهایی را تولید کرده و اقدام به ارائه آن‌ها می‌کنند. دسته دوم توزیع‌کنندگانی هستند که مؤلفین به واسطه آن‌ها کالا یا خدماتشان را ارائه می‌کنند. دسته سوم مصرف‌کنندگان هستند که کالای تولیدشده را به بهره‌برداری می‌رسانند. در این بین مسئله‌ای که ایجاد می‌شود این است که چگونه می‌توان با در نظر گرفتن نقش این سه بازیگر، ویژگی‌های بستر دیجیتال و مفاهیم مالکیت معنوی، رویکردی را اتخاذ کرد که موجب بهبود عملکرد قوانین این حوزه در تعامل بین تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان، در بستر فضای دیجیتال گردد و از سوی دیگر منطبق بر مبانی فقهی و دینی نیز باشد.

دلایل بسیاری برای لزوم وجود قانون کپی‌رایت بیان شده که از میان آن‌ها می‌توان به چند دلیل مهم اشاره کرد. دلایلی نظیر دلایل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و طبیعی از دلایل اهمیت این موضوع هستند. مطابق با دلیل اجتماعی، اگر از تولیدات فرهنگی یک جامعه حمایت نشود، آن جامعه انگیزه و رغبتش برای بازتولید فرهنگی را از دست می‌دهد (امانی، ۱۳۸۳: ۱۴۱). از منظر اقتصادی، از آنجاکه منابع مادی و معنوی بسیاری صرف تولید آثار فرهنگی میشود، بنابراین عدم حمایت از این آثار به منزله هدر رفتن این منابع است. در نهایت دلیل فرهنگی به این می‌پردازد که اگر کالای فرهنگی حمایت نگردد، در واقع میراث فرهنگی جامعه به یغما رفته، چرا که هر کالای فرهنگی به‌مثابه میراث و کالای ملی هر اجتماع است (امانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

لذا در سایه حمایت و قوانین کپی‌رایت است که تولیدکننده می‌تواند اطمینان داشته باشد که سرمایه مادی و معنوی‌اش حفظ شده است. همچنین در لوای این قانون جامعه درمی‌یابد که از میراث فرهنگی‌اش حفاظت می‌شود و انگیزه رشد و بازتولید می‌یابد. مسئله دیگری که مطرح است، این است که میان صاحب‌نظران دینی اشتراکی درباره کپی‌رایت وجود ندارد. پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که از این منظر مسائل و چالش‌هایی متوجه اجرای این قانون در

کشورمان شده است. برخی از صاحب‌بنظران کپی‌رایت را به حق دانسته و برخی دیگر آن را نامعتبر می‌دانند.

بنابراین مقاله حاضر می‌کوشد تا با تکیه بر مفاهیم مالکیت معنوی و تطبیق آن با مباحث فقهی بررسی کند که نخست با در نظر گرفتن نقش تولیدکنندگان، راهکار مناسب برای التزام به حقوق مالکیت معنوی در فضای دیجیتال چیست؟ دوم تمهیدات مناسب جهت افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان نسبت به رعایت حقوق مالکیت معنوی در فضای دیجیتال، چگونه حاصل می‌شود؟ و سوم اینکه در نگاه فقهی حق مالکیت معنوی چگونه توجیه می‌شود؟

تعریف مالکیت فکری

دارایی‌های فکری، به ابداعات ذهنی، آثار خلاقانه یا ایده‌هایی گفته می‌شود که در یک قالب شکل گرفته و می‌توانند به اشتراک گذاشته شوند و همچنین، توسط دیگران بازآفرینی شده و ساخته شوند. حق مالکیت فکری و معنوی از فعالیت‌ها و محصولات فکری در زمینه‌های تجاری، علمی، ادبی و هنری حمایت می‌کند و شامل دو بخش مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری است. مالکیت صنعتی شامل حق اختراع، علائم صنعتی و تجارتي، طرح‌های صنعتی و نشانه‌های جغرافیایی می‌شود؛ و در بخش مالکیت ادبی و هنری شامل حقوق مؤلفان، مصنفان، هنرمندان و پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و حقوق جانبی مربوط به کپی‌رایت که شامل آثار دیداری و شنیداری است، می‌شود.

پیش‌بینی‌ها و اقداماتی جهت حمایت از ارزش مادی و معنوی مالکیت‌های معنوی، هم در حقوق ملی کشورها و هم در حقوق بین‌الملل صورت گرفت و سازمانی به نام سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ موسوم به wipo تأسیس شد و در آن معاهده‌های گوناگونی همچون کنوانسیون «برن» برای حمایت از آثار ادبی و هنری (copyright) و معاهده پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی منعقد گشت.

1. World Intellectual Property Organization.

کاوازاس و مایلز (۱۳۸۱: ۱۹) بر این باور است که قانون کپی‌رایت از آثار بدیع نویسندگی که به صورت نوعی ابزار ملموس بیان محرز شده‌اند، حمایت به عمل می‌آورد. از آنجاکه صفت بدیع، تنها به اثری اطلاق می‌شود که نتیجه خلاقیت مستقل نویسنده بوده و از حداقل میزان خلاقیت بهره برده باشد، به نظر می‌آید کلیه نشریات در شبکه جهانی واجد شرایط حمایت شدن توسط قانون کپی‌رایت باشند. تألیف - اعم از هنری و علمی - برخاسته از اراده فردیست و در نتیجه پاره‌ای از وجود فرد را تشکیل می‌دهد و هرگونه دخل و تصرف در آن بدون رضایت او مجاز نیست. چنانچه از تعاریف فوق بر می‌آید گستره وسیعی از آثار و فعالیت‌های حاصل خلاقیت فکری افراد، مشمول قانون حق مؤلف می‌شود. همچنین با پیشرفت تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی و رسانه‌های نوین، حوزه شمول حق مؤلف گسترده‌تر نیز می‌گردد. در اینجا برای درک بهتر موضوع حق مؤلف باید بدانیم اثر چیست؟ اثر از تفکر و خلاقیت پدیدآورنده سرچشمه می‌گیرد و به گونه‌ای مادی عینیت می‌یابد. براساس مندرجات توافقنامه برن، اثر شامل موارد ذیل می‌شود:

آثار نوشتاری ادبی اعم از شعر، داستان، رمان، مقالات، نمایشنامه‌ها و غیره، متون علمی، آثار موسیقی و همچنین نت‌های روی کاغذ، آثار مجسمه‌سازی، آثار هنری تزئینی، آثار نقاشی و گرافیک، آثار سینمایی، آثار هنری دست‌ساز، آثار خطاطی، گونه‌های متفاوت هنرهای نوین، نمایشنامه‌های اجراشده، حق اجرای نقش در آثار سینمایی و نمایشنامه‌ها (قصاع، ۱۳۸۳: ۹۴).

یکی از شرایط حق مؤلف که جنبه شکلی و نه ماهوی دارد، ثبت اثر است. ثبت اثر نوعی تشریفات قانونی است که به موجب آن دارنده حق مؤلف، گزارشی کلی درخصوص یک اثر برخوردار از حق مؤلف مثل عنوان، زمان انتشار و صاحب حق مؤلف اثر ارائه می‌دهد. ثبت اثر پیش‌نیازی برای درخواست‌های تخلف و تجاوز است (مطلبی، ۱۳۸۶: ۱۴۹). اما طبق قانون ۱۳۸۰ کشورمان، در حق مؤلف، ثبت اثر برای استفاده از مفاد این قانون ضروری و لازم نبوده و اختیاری است و البته برای عدم پذیرش غیرعمد در شکایت قانونی ضروری است و اثر از زمان خلقش،

بلافاصله تحت حمایت این قانون قرار می‌گیرد. در نتیجه ثبت اثر برای پر کردن خلاء زمانی بین ایجاد اثر تا زمان انتشار آن است.

مروری بر قوانین حق مالکیت فکری و حق مؤلف در جهان و ایران

قانون حق مؤلف ابتدا در کشورهای اروپایی مورد توجه واقع شد. به این صورت که از اوایل قرن هجده در کشورهایی نظیر انگلیس حق مؤلف برای پدیدآورندگان آثار مورد توجه قرار گرفت و حق چاپ و نشر، ایجاد انگیزه خلاقیت و عرصه دانش به توده مردم از اهداف حمایتی این قانون بوده است که پارلمان انگلیس در ۱۷۱۰ وضع کرد. دانمارک در ۱۷۴۱، ایالات متحده در ۱۷۹۰، فرانسه قبل از انقلاب ۱۷۸۹، در برخی کشورهای آمریکای لاتین مثل شیلی ۱۸۳۴، پرو ۱۸۴۹، آرژانتین ۱۸۶۹، مکزیک ۱۸۷۱ قانون حق مؤلف تصویب و استفاده شد (بلوم کوئیست، ۱۳۸۱: ۸۸). کنوانسیون برن در بند یک ماده دوم، موضوعات حمایتی از آثار مختلف را برشمرده که شامل موارد متعددی اعم از کتاب محصولات فرهنگی و هنری می‌شود هدف آن ارائه استانداردهای حمایت از آثار ادبی و هنری بود که در سال ۱۸۸۶ در برن سوئیس ایجاد شد و مدت حمایت از آثار براساس این کنوانسیون به این ترتیب است که تا ۵۰ سال بعد از مرگ مؤلف، اثر مورد حمایت قرار دارد و برای آثاری که پدیدآورنده آن مشخص نیست ۵۰ سال از در معرض عموم قرار گرفتن است. برای آثار عکاسی و هنرهای کاربردی این مدت ۲۵ سال است. ایران تاکنون به این کنوانسیون نپیوسته است. تحولات مختلف باعث شد کنوانسیون برن به معاهده سال ۱۹۹۶ (سازمان جهانی مالکیت معنوی) تبدیل شود و حق معنوی به دنیای مجازی نیز توسعه یافت (ایوبی، ۱۳۸۸: ۲۷).

ادارات کنوانسیون‌های پاریس و برن به علاوه یک سازمان بین‌المللی کوچک، در سال ۱۸۹۳ در هم ادغام شدند و اتحادیه بین‌الملل برای حمایت از دارایی‌های فکری را ایجاد کردند. این اداره که در برن سوئیس مستقر بود، بعدها با افزایش روزافزون مسئله دارایی فکری و حقوق مربوطه، در ساختار و شکل تغییرات زیادی یافت و مقدمه‌ای شد برای آنچه امروز سازمان جهانی دارایی‌های فکری یا وایپو نامیده می‌شود (قصاع، ۱۳۸۳: ۱۰۲). در ۱۸۶۶ در

برن (سوئیس) اولین موافقت‌نامه بین‌المللی برای حمایت از حق مؤلف به تصویب رسید. این موافقت‌نامه به «میثاق برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری» شهرت یافت. سازمان جهانی مالکیت معنوی در ژنو (سوئیس) مسئول اجرای معاهده برن است. در حال حاضر تقریباً ۱۲۷ کشور در معاهده برن عضو هستند (مطلبی، ۱۳۸۶). موافقت‌نامه دیگر درباره جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی، موافقت‌نامه تریپس (۱۹۹۳) نام دارد که مقررات اصلی سند پاریس در معاهده برن را در بر دارد (شفیعی‌شکیب، ۱۳۸۱). در ادامه، براساس این معاهده علاوه بر حمایت از حقوق مؤلفان، حقوق دیگر عوامل تولید اثر مثل اجراکننده، تولیدکننده، سازمان‌های پخش و ناشر نیز مورد توجه قرار گرفت. از این‌رو توجه کافی به میثاق‌های بین‌المللی در زمینه حقوق تبعی معطوف شد. از جمله این میثاق‌ها می‌توان به معاهده بین‌المللی حمایت از اجراکنندگان و تولیدکنندگان صوت نگاشت‌ها و سازمان‌های پخش (میثاق رم، ۱۹۶۸)، معاهده حمایت از تولیدکنندگان صوت نگاشت‌ها در مقابل نسخه‌برداری غیرمجاز (ژنو، ۱۹۷۱) و میثاق مربوط به توزیع و پخش علائم حامل برنامه از طریق ماهواره (بروکسل، ۱۹۷۴) اشاره کرد. در سپتامبر سال ۱۹۵۵، کنوانسیون توافقنامه جهانی حقوق پدیدآوردندگان، به تصویب رسید و برخی کشورهای سازمان ملل به آن پیوستند به طوری که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ تا آخر سال ۲۰۰۰، ۶۶ کشور به توافقنامه برن پیوستند. سازمان جهانی دارایی‌های فکری یا وایپو یکی از شانزده بنگاه زیرمجموعه سازمان ملل متحد است. وظیفه این سازمان جهانی، ارتقاء شیوه استفاده و حمایت از آثار برخاسته از روح و فکر انسان‌هاست. این سازمان در خصوص حقوق مادی و معنوی پدیدآوردندگان ۲۳ پیمان‌نامه مهم بین‌المللی را مدیریت می‌کند. تاکنون ۱۷۹ کشور، از جمله جمهوری اسلامی ایران، به این سازمان پیوسته‌اند (قصاع، ۱۳۸۳: ۹۶).

نخستین قانون حق مؤلف در ایران به ۱۵ مرداد ۱۳۱۰ باز می‌گردد که پرداخت غرامت برای چاپ بدون مجوز اثر یا تصنیف، استفاده از آثار مؤلف و مصنف اثر بدون ذکر مأخذ، فروش یا وارد خاک کشور کردن اثر، پیش‌بینی کرده است (مطلبی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). قانون دیگر با عنوان «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» در سال ۱۳۴۸ به تصویب

رسید که نخستین قانون مستقل در خصوص پدیدآوردندگان است. قانون بیان شده، اعتراض برخی از گروه‌های ذی‌نفع به‌ویژه مترجمان را برانگیخت زیرا به نظر آن‌ها این قانون به صراحت از کارهای فرعی یعنی ترجمه و اقتباس حمایت نمی‌کرد. در سال ۱۳۵۲ لایحه مستقلی به نام «قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی» تصویب شد.

به‌موجب دو قانون مذکور که هر دوی آن‌ها هنوز هم از قوت قانونی برخوردارند از نوشته‌های علمی، فنی، ادبی و هنری گرفته تا آثار موسیقایی، دیداری-شنیداری، آثار عکاسی، نقاشی، معماری و طرح‌های مهندسی حمایت می‌شود (مطلبی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). در سال ۱۳۷۹ قانونی با نام «قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای» به تصویب رسید که به‌موجب آن، حوزه حمایت ملی از مالکیت فکری در ایران گسترش یافت و اکنون کم‌وبیش همه زمینه‌های لازم را در بر می‌گیرد. براساس این قانون «هرگونه دخل و تصرف غیرمجاز از طریق ورود یا خروج، ضبط و ذخیره، پردازش و انتقال داده‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای، ایجاد یا ورود انواع ویروس‌های رایانه‌ای و امثال آن جرم محسوب می‌شود و مرتکب، علاوه‌بر جبران خسارت وارده، به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد (همان). با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون پاریس، در سال ۱۳۸۰ (برابر مارس ۲۰۰۲) جمهوری اسلامی ایران به جمع امضاکنندگان کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری پیوست و به‌طور رسمی به عضویت این سازمان درآمد. در قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ در مواد ۶۲، ۶۳ و ۷۴ حمایت از حقوق مالکیت فکری و به‌ویژه آثار ادبی، هنری و رایانه‌ای در فضای الکترونیکی مورد نظر قرار گرفت.

نگاه فقهی به مالکیت فکری

در میان فقها اختلاف دیدگاه نسبت به مشروعیت مالکیت فکری سبب ارائه فتاوی مختلف گردیده است. معمولاً آنچه از نظر فقها و حقوقدانان مورد نفی قرار گرفته است بازگشت این حق به واژه مالکیت است که مشخصات تعریف مالکیت در آن صادق نیست

(هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۳: ۱۷۴). نظر به قرار گرفتن موضوع کپی رایت تحت عنوان حقوق مالکیت فکری، ضرورت دارد ابتدا با ارائه تعریفی از حق و ملک و بیان تفاوت‌های آن‌ها، جایگاه دقیق مسئله از نظر حق یا ملک بودن مشخص گردد. فقها در بیان تفاوت ملک و حق به مواردی اشاره نموده‌اند که موارد مهم به جهت شناسایی دقیق جایگاه بحث مورد نظر بیان می‌گردد. حق همیشه به افعال تعلق می‌گیرد برخلاف ملک که هم به اعیان تعلق دارد و هم به افعال، چرا که حقیقت ملک، سلطنت و احاطه است و احاطه به افعال و هم به اعیان تعلق می‌گیرد (توحیدی تبریزی، ۱۴۱۷ق: ۵۱). تفاوت دیگر در ارکان حق و ملک است که در ملک رابطه میان مالک و عین برقرار می‌شود. در نتیجه ارکان اصلی، ملک و مالک و مملوک است. اما در حق رابطه میان صاحب حق و من علیه الحق است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲۴).

باتوجه به نکاتی که بیان شد، مالکیت فکری براساس مکاتب حقوقی و چه براساس نظریه فقیهان زیر عنوان حق قرار می‌گیرد. زیرا بنابر اینکه حق را به منزله مالکیت داشتن و سلطنت قلمداد کنیم این سلطنت بر شیء یا بر شخص است و مالکیت فکری از این دو خارج نیست. باتوجه به تعریفی که از حق و ملک ارائه شد و نیز نحوه کیفیت تطبیق مصادیق خارجی بر این عناوین در بین فقها در اصل پذیرش حق مالکیت فکری اختلاف آراء به چشم می‌خورد. این اختلاف آراء را می‌توان به دو دسته موافق و مخالف مالکیت معنوی تقسیم کرد:

نظرات مخالفان:

۱- دلیل اصلی که در مخالفت با مشروعیت مالکیت معنوی مطرح است، عدم اثبات مشروع بودن این حق نزد شارع می‌باشد. بنابراین این دسته از فقها چنین حقی را از اساس شرعی نمی‌دانند. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید «آنچه در نزد بعضی حق طبع نامیده می‌شود، حق شرعی نیست و سلب تسلط مردم بر اموالشان بدون هیچ‌گونه عقد و شرطی جایز نیست. بنابراین مجرد طبع و نوشتن در آن به اینکه حق طبع و تقلید برای صاحب آن محفوظ است، چیزی را موجب نمی‌شود و این قرار با غیر شمرده نمی‌شود. پس برای غیر او

طبع و تقید جایز است و برای کسی جایز نیست که او را از آن منع نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۶۲۵).

در پاسخ به این اشکال مطرح نموده‌اند که ارتکازات عقلایی اگر منوط به عواطف و احساسات نباشد و رواج آن‌ها مبتنی بر فهم عقلا باشد نیازی به امضای شارع نیست و پذیرش جمع زیادی از دانشمندان حتی فقها و پذیرفتن بیش از ۱۸۰ کشور جهان و حمایت ادیان مسیحی و یهودی و زردشتی، دلالت بر عقلایی بودن آن می‌کند و قاعده «کما حکم به العقل حکم به الشرع» مبین ورود «عقلا بماهم عقلاء» و حکم شرع ملازمه برقرار می‌کند. (امامی، ۱۳۷۱: ۲-۳)

۲- دلیل دیگری که در مخالفت با حق مالکیت معنوی مطرح است، قاعده تسلیط است که براساس آن مشتری پس از تصاحب بر ملک، صاحب آن می‌شود و حق هرگونه تصرفی در آن از جمله انتشار و تقلید از آن را دارد. طبق این قاعده، مالکیت و حق صاحب قبلی در تصرف ملک از بین رفته است و تحت سلطه مالک جدید آن قرار می‌گیرد. در رد این دلیل آمده است که پس از اثبات شرعیت مالکیت معنوی، صاحب اثر به موجب قاعده تسلیط بر مال خود حق تصرف دارد و جلوگیری از تصرف صاحب مال خلاف این قاعده محسوب می‌شود (رحیمی و سلطانی، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

اما با دقت در معنای عقود، به‌ویژه عقد بیع که در اینگونه موارد جاری است، تصرف به‌نحو تام و تمام به مشتری منتقل می‌گردد و به فرض باقی بودن حق انتشار و سایر حقوق معنوی برای مالک او دلیلی برای جلوگیری از تصرفات مالک جدید نیست، چرا که مالک او با فروش آن به دیگری حق تسلط را نیز به او منتقل نموده و شارع این حق را برای او محترم شمرده است.

۳- نظر دیگری در این حوزه مربوط به استاد شهید مطهری است که اموال معنوی را جزء سرمایه‌های حکومت اسلامی می‌داند. ایشان در مورد بحث اختراع می‌فرمایند «ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماعی است و محصول ماشین را نمی‌توان محصول غیر مستقیم سرمایه‌دار دانست بلکه محصول غیر مستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ

نمی‌تواند مالک مشخصی داشته باشد پس ماشین‌های تولیدشده نمی‌تواند به اشخاص تعلق داشته باشد. این‌ها مسئله دیگری است، این‌ها نقض مالکیت فردی نیست، الغای مالکیت خصوصی نیست، بلکه مالکیت اشتراکی در موارد خاصی است که موجبات آن اقتضاء می‌کند در آن موارد، مالکیت اجتماعی و اشتراکی باشد نه فردی (مطهری، ۱۳۶۸: ۵۸-۵۹).

نظرات موافقان:

۱- مبنای استفاده از ولایت فقیه: هرگاه ولی فقیه مصلحت جامعه را در الزام اجتماع به امثال این حقوق ببیند، از ولایت خود استفاده کرده و این حقوق را تثبیت می‌کند. بنابراین اگر ولی فقیه به عنوان مثال چاپ، تألیف شخصی را بدون اجازه او بر عموم مردم حرام اعلام کند مؤلف می‌تواند در مقابل اجازه چاپ نوشته خود، مبلغی را از ناشر بگیرد (حائری، ۱۳۷۹ق: ۹۷)

۲- تمسک به ارتکاز عقلا: به این معنا که ارتکاز و سیره عقلا بر مالکیت این حقوق دلالت دارد و از طرف دیگر از جانب شارع ردعی و منعی بر این ارتکاز و سیره وجود ندارد. در عرف عقلا، یکی از حقوق قابل احترام، حقوق معنوی مؤلفان، محققان و مبتکران است که هم تشخیص و هم ارزیابی آن با عرف است (رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

۳- مالکیت تکوینی اعمال ذهنی: انسان نسبت به اعضا و جوارح، افعال و نتایج آن سلطنت تکوینی دارد و این سلطنت و ملکیت از نوع اعتباری نیست. در ملکیت تکوینی، موضوع حق اختصاص و اولویت فرد نسبت به افعال و نتایج آن است. بنابراین در اثبات این ادعا به ادله عدم جواز حلیت در مال غیر استدلال می‌شود.

۴- قاعده لاضرر: بنابر این قاعده، بهره‌برداری، کپی، تقلید و تکثیر آثار هنرمند و مؤلف بدون اجازه و بدون پرداخت مطالبه او، اضرار به غیر محسوب می‌گردد.

۵- قاعده حفظ نظام و دلیل عقل مستقل: از آنجاکه در بیان فقها اینگونه آمده است که چنانچه عقل در موضوعی مستقلاً حکم کند، شرع نیز به دلیل اینکه یکی از عقلاست بلکه رئیس عقلاست به آن موضوع حکم می‌کند و از طریق حکم عقلی به حکم شرعی پی می‌بریم.

این لازمه حکم عقل و شرط منوط به آن است که تمام عقلا در هر شرایطی به آن حکم عقل پایبند باشند. مانند حسن بودن عدل و قبح ظلم (مظفر، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

- از قواعد عقلی معروف و مهم در کلام فقها قاعده لزوم حفظ نظام است که در کتب فقهی و اصولی در استدلال علما از آن استفاده شده است. در موضوع بحث کپی‌رایت از آنجایی که نرم‌افزارها و سایر آثار فکری و هنری در لایه‌های مختلف زندگی بشر نفوذ کرده‌اند و سطوح اجتماعی به شدت تحت تأثیر این آثار و پدیده‌ها قرار دارد، لازم است قوانین مدون و جدی جهت تنظیم چاپ، انتشار، تکثیر و کسب‌وکار آن وضع شده تا ضمن بهره‌مندی کامل از این پدیده نوظهور عواقب و مضرات آن نظم اجتماعی را برهم نریزد.

شکی نیست که برای حفظ نظام اجتماعی و جلوگیری از ایجاد اختلال در آن، بایستی نسبت به تنظیم مقررات و اجرای آن اقدامات لازم صورت گیرد. بررسی کارکردهای حق کپی‌رایت در چارچوب فقهی عدم اختلال نظام زمینه نظریه‌پردازی جهت و صدور فتاوا در این حوزه را به همراه دارد به گونه‌ای که از ضروریات مهم زندگی اجتماعی کنونی زیست جمعی به حساب می‌آید و از سوی دیگر مبنای جدیدی در به رسمیت شناختن حقوق ذی‌حقان خواهد بود.

نظرات موافق حق مؤلف و مالکیت فکری در استفتائات فقهی نیز وارد شده و به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

پرسش و پاسخ ذیل از آیت‌الله مکارم شیرازی است:

س) آیا از نظر شما حق تألیف، حقی مشروع و قابل واگذاری است؟

ج) حق تألیف از حقوق عقلائیة است، که شارع براساس مقدس عمومات کتاب و سنت آن را امضا نموده است، زیرا در عرف عقلا، عدم رعایت آن نوعی ظلم محسوب می‌شود و قابل واگذاری است.

س) آیا می‌توان تمام یا بخشی از کتابی که از بازار خریداری شده را بدون اجازه مؤلف به صورت نرم‌افزار کامپیوتری درآورد؟ در صورتی که پولی در مقابل عرضه این برنامه گرفته نشود، چه حکمی دارد؟

ج) باید از مؤلف آن کتاب، در صورتی که در قید حیات است، و از ورثه او اگر رحلت کرده، اجازه بگیرد. این در صورتی است که نرم‌افزار را برای انتشار تهیه کند؛ نه برای استفاده شخصی.

س) چنانچه ناشری مجموعه اشعار شاعر یا نوشته‌های نویسنده‌ای را بدون پرداخت حق تألیف و کسب اجازه مؤلف و در صورت فوتش بدون موافقت و رضایت وراثت شرعی و قانونی او منتشر کند و آن‌ها را بفروشد و درآمد حاصله را به‌طور کلی به‌نفع خود بهره‌برداری کند، چنین عملی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج) حق تألیف یک حق عقلانی است که در میان عقلای جهان به رسمیت شناخته شده و تجاوز به آن، مصداق ظلم بوده و ممنوع است. نشر آثار مؤلفین و شعرا بدون اجازه آنان جایز نیست و این نکته را باید توجه داشت که همیشه مصادیق از عرف و احکام از شرع مقدس گرفته می‌شود و مانعی ندارد که با گذشت زمان، حقوق تازه عقلانی پیدا شود و مشمول احکام کلیه اسلام گردد.

س) مؤلفی کتابی می‌نویسد و با ناشری قرارداد چاپ و نشر منعقد می‌کند و در کتاب می‌نویسد: «حقوق طبع برای مؤلف محفوظ است». پس از چندی ناشر دیگری بدون اجازه از مؤلف، کتاب را تجدید چاپ می‌کند. در عرف ناشران چنین است که مقداری از کتاب را به عنوان حق تألیف به مؤلف می‌دهند، آیا این چنین حقی برای مؤلف وجود دارد و آیا نیاز به اجازه از مؤلف در مقام تجدید و افسست از روی کتابش است؟

ج) حق تألیف یک حق عقلانی است که در تمام دنیا از سوی همه عقلای جهان به رسمیت شناخته شده و مخالفت با آن مصداق ظلم شمرده می‌شود و در شرع حرام است، بنابراین مؤلف می‌تواند حق خود را از کسانی که بدون اجازه او تجدید چاپ کرده‌اند بگیرد، در ضمن توجه داشته باشید ناشر نیز نسبت به حروفچینی و مانند آن حق دارد و اگر کسی از روی آن عکسبرداری کند باید حق ناشر را نسبت به آن بپردازد.

س) قرای معروفی که آیاتی از قرآن مجید را با صوت زیبا تلاوت می‌کنند و آن را بر روی

نوار کاست و یا ویدئو ضبط می‌کنند، آیا می‌توانند امتیاز آن را خرید و فروش کنند و آیا باید دیگران در موقع تکثیر از آن‌ها اجازه بگیرند؟

ج) در صورتی که در عرف عقلا به عنوان حقی برای قاری شمرده شود، کسانی که می‌خواهند تکثیر کنند باید با موافقت او باشد. (مکارم شیرازی، بی تا)

از آیت‌الله نوری همدانی نیز پرسش‌های متعددی در این حوزه شده است که برخی از آن‌ها را در ذیل بیان می‌کنیم:

س) آیا مالکیت فکری که در عصر ما معمول شده در مورد تألیف کتاب‌ها، اختراعات و صنایع اکتشاف داروها، تولید فیلم‌های مفید و سی‌دی‌ها جنبه شرعی دارد یا نه؟ به این معنی که اگر کسی به حریم آن تجاوز کند مانند تجاوز به حریم ملک‌های مادی از قبیل خانه، زمین و اتومبیل است و غاصب محسوب می‌شود یا نه؟

ج) مالکیت فکری همچون مالکیت مادی، محترم است و تجاوز به حریم آن جایز نیست و هرکس تجاوز کند و خسارتی به بار آورد ضامن است. زیرا مالکیت از موضوعات عرفی و عقلائیست و به تعبیر دیگر از موضوعاتی است که عرف و عقلا آن را تعیین می‌کنند. می‌دانیم در عصر و زمان ما این نوع مالکیت در عرف و عقلا به رسمیت شناخته شده است و از آنجا که موضوع را از عرف می‌گیریم و حکم را از شرع، چنین نتیجه خواهیم گرفت که اصل کلی «لا یحل لاحد ان یتصرف فی مال غیره الا باذن» شامل آن هم می‌گردد. اضافه‌براین گاه می‌شود که برای اختراع یک وسیله صنعتی یا اکتشاف یک دارو، یا تألیف یک دوره کتاب، یا تولید یک سی‌دی، میلیون‌ها خرج می‌کنند و صدها ساعت زحمت می‌کشند، به یقین اگر کسی آن اثر را بردارد و بدون اجازه تولیدکننده تکثیر کند، ظلم فاحشی مرتکب شده و ظلم از نظر شرع و عقل حرام است. و اگر کسانی مرتکب این کار خلاف از طرق غیرقانونی شوند، دلیل بر مباح بودن آن نمی‌شود و ضامن هستند.

س) کم‌وبیش تمامی کتاب‌های دانشگاهی که در رشته‌های علوم استفاده می‌شوند بدون رعایت حقوق مؤلف یا کپی‌رایت و به صورت غیرقانونی در ایران تکثیر یا ترجمه شده‌اند.

حکم استفاده از این کتاب‌ها، در صورتی که بدانیم ناشر و مؤلف این کتب خارجی راضی نیستند، چیست؟

ج) تکثیر کتاب‌ها بدون رضایت صاحبان اصلی آن جایز نیست، مگر این که از کفار حربی باشند.

س) آیا حقوق مالکیت‌های فکری، مانند حق تألیف، ترجمه، طبع و اختراعات، شرعی است؟

ج) حق الطبع و حق التألیف، و همچنین حق استفاده از اختراعات، حقوق معتبری است که تجاوز به آن جایز نیست.

س) آیا حق طبع و نشر، شرعی و قابل تملک، و نقل و انتقال است؟

ج) آری، حق طبع و نشر شرعی بوده و قابل واگذاری با عوض یا بدون عوض است.

س) آیا حقوق معنوی و به‌طور خاص حق التألیف (کپی‌رایت) مشروعیت دارد؟

ج) بله، حق التألیف، مشروعیت دارد. (نوری همدانی، بی تا)

بحث و نتیجه‌گیری

حمایت از حقوق مؤلفین در فضای دیجیتال، باعث تعالی، رشد و اشاعه فرهنگ دیجیتال در جوامع می‌شود. به‌عبارتی باید تعادلی میان دستیابی عمومی به محتوای دیجیتال و انگیزه اقتصادی برای صاحبان اثر و تولیدکنندگان محتوا، برقرار شود. بهره‌مندی از قوانین مالکیت معنوی در فضای دیجیتال باعث نوعی هم‌زیستی بین کاربران و ناشران می‌شود، به‌طوری که هم منافع حاصل از دیجیتالی شدن محتوا حفظ شده و هم ناشران و صاحبان اثر متضرر نگردیده و حقوق مادی و معنوی آن‌ها نیز محفوظ می‌شود. با در نظر گرفتن مفاهیم مالکیت معنوی و همچنین با توجه به سه سطح واسطه، مؤلف و مصرف‌کننده، راه‌حل‌هایی جهت بهبود استفاده از فضای رسانه‌ای دیجیتال با پیروی از مفاهیم مالکیت معنوی، می‌توان تدارک دید:

- لازم است تا در ابتدا مؤلفین و صاحبان اثر با حقوق خود در این حوزه آشنا گردند و در فرآیندهای تولید تا توزیع و تکثیر، آن‌ها را به کار بگیرند. همین آموزش و فرهنگ‌سازی برای کاربران و مصرف‌کنندگان نیز صورت بگیرد. چرا که بخش اعظم زیان‌های این حوزه توسط کاربران و مصرف‌کنندگان صورت می‌گیرد. می‌توان با فرهنگ‌سازی و آموزش، کاربران را نسبت به عواقبی که به واسطه تخلف در این زمینه متوجه جامعه می‌شود، آگاه ساخت و از زیان‌های آتی جلوگیری کرد.

- با توجه به پذیرش بعد معنوی و اخلاقی از حقوق مالکیت معنوی از سوی فقها و صاحب‌نظران اسلام، می‌توان در برخی موارد که مفاهیم بین‌المللی مالکیت معنوی به‌سختی از سوی کاربران و مصرف‌کنندگان پذیرفته می‌گردند، با رجوع به مفاهیم و آموزه‌های دینی در این حوزه، کمبودهای موردنظر را پوشش داد. موضوع‌شناسی مالکیت فکری و حق کپی‌رایت براساس مباحث فقهی امری لازم و ضروری است تا براساس آن تعریف و تبیین دقیق فقهی صورت گیرد و این امر منجر به پذیرش اعتقادی و قلبی مؤمنین نیز شده و برای اجرایی شدن، کار آسان می‌شود. اگر تبیین دقیقی از کارکرد حق کپی‌رایت در تولید و کسب‌وکار مشخص گردد ثمرات عملی قابل توجه به همراه خواهد داشت.

- اگرچه برخی فقیهان با استناد به قاعده تسلیط پس از تملک مشروع اثر با مشروعیت مالکیت معنوی مخالفت کرده‌اند اما عده‌ای دیگر با استناد به مبنای ولایت فقیه و درنظر گرفتن مصلحت جامعه و همچنین تمسک به ارتکاز عقلا در مالکیت بر حقوق معنوی و همچنین تمسک به قاعده لاضرر نسبت به صاحبان آثار فکری و معنوی و دیگر استدلالات فقهی بر اثبات حق مالکیت فکری تأکید کرده‌اند نقض آن را جایز نمی‌دانند.

- با توجه به ماهیت رسانه‌های دیجیتال، می‌توان از سازوکارهای فنی در این زمینه سود جست و علاوه بر برچیدن زمینه‌های تجاوز به حقوق مالکیت معنوی، محدودیت‌هایی را برای واسطه‌گران قائل شد. برای نمونه می‌توان تمهیداتی را جهت محدود کردن میزان محتوایی که توسط سایتی عرضه می‌شود، درنظر گرفت و علاوه بر این در دوره‌های زمانی مشخص، بر عملکرد و محتوای سایت نظارت داشت.

- ضرورت دارد تمهیدات حقوقی و جزایی، در هر سه سطح کاربر، واسط و مؤلف، اجرا شده و قوانین مصوب، از ضمانت اجرایی مناسب و قدرت بازدارندگی کافی برخوردار باشند به نحوی که مؤلف قانون را تکیه‌گاهی مناسب برای خود دانسته و متخلف نیز از قانون بیم داشته و همیشه سایه قانون را بر سر خود احساس کند.

- نظر به ظرفیت‌های گسترده و متنوع فضای مجازی و دیجیتال، می‌توان از سازوکارهای فنی در این حوزه سود جست و میزان دسترسی و البته تولید محتوا را کنترل کرد. چرا که عدم کنترل و نظارت بر محتوا، خود موجب انجام گسیختگی و سردرگمی می‌گردد که تبعات آن در تجاوز به حقوق مالکیت معنوی ظهور می‌یابند.

- نگاه متفاوتی در بین فقهای شیعه نسبت به کپی‌رایت وجود دارد اما زمینه‌های مساعد فکری برای تبیین بیشتر آن و موضوع‌شناسی دقیق‌تر وجود دارد تا براساس آن برخی گره‌های موجود در این زمینه مرتفع گردد.

منابع

۱. امامی، نورالدین (۱۳۷۱). حقوق مالکیت‌های فکری. فصلنامه رهنمون، ۱، ۲-۳.
۲. امانی، تقی (۱۳۸۳). قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری. تهران: بهنامی.
۳. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۸). حق تألیف برای نرم‌افزارها و بازی‌های رایانه‌ای: راهکارها و چالش‌ها. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۲(۳)، ۲۱-۴۵.
۴. بلوم کونیست، یورگن (۱۳۸۱). برنامه کار کنونی و ایپو در حوزه کپی‌رایت و حقوق جانی. تهران: خانه کتاب.
۵. توحیدی تبریزی، محمدعلی (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهه (ج ۲). قم: انتشارات انصاریان.
۶. حائری، کاظم (۱۳۷۹ق). بررسی فقهی حق ابتکار. فقه اهلبیت، ۶(۲۳)، ۹۵-۱۰۳.
۷. رحیمی، مرتضی؛ سلطانی، عباسعلی (۱۳۸۵). مبانی فکری مالکیت معنوی در فقه شیعه. فقه و اصول، ۳۸(۳)، ۱۳۳-۱۷۲.
۸. شفیعی‌شکیب، مرتضی (۱۳۸۱). گزارشی درباره حمایت از حق مؤلف و حقوق جانی آن در جمهوری اسلامی ایران. تهران: خانه کتاب.
۹. قاسمی، محسن (۱۳۸۵). سیر تحول حقوق مؤلف در جامعه بین‌المللی. مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۳(۳۵)، ۱۴۷-۱۹۳.

۱۰. قصاب، محمد (۱۳۸۳، آذر). ضرورت و تبعات پذیرش توافقنامه کی‌رایت. کتاب ماه کودک و نوجوان، ۸۶، ۹۵-۱۰۳.
۱۱. کاوازاس، ادوارد؛ مایلز، کو (۱۳۸۱). کی‌رایت در اینترنت، لینک دادن و عواقب آن. ترجمه صغرا واعظی‌نژاد. کتاب‌های اسلامی، ۱۰، ۱۹-۲۸.
۱۲. مطلبی، داریوش (۱۳۸۶). حق مؤلف در محیط دیجیتال. فصلنامه کتاب، ۲(۷۰)، ۱۳۷-۱۶۴.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). نظری به اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
۱۴. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶). اصول فقه (ج ۲). قم: انتشارات اصغری.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (بی‌تا). اپلیکیشن رسائل ۲ (رساله‌های احکام و استفتانات مراجع). شیراز: مهاد، مرکز نوآوری‌های بازی و سرگرمی‌های ایران اسلامی.
۱۶. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). کتاب البیع (ج ۱). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۷. نوری همدانی، حسین (بی‌تا). اپلیکیشن رسائل ۲ (رساله‌های احکام و استفتانات مراجع). شیراز: مهاد، مرکز نوآوری‌های بازی و سرگرمی‌های ایران اسلامی.
۱۸. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۳). صحیفه عدالت (ج ۲). مرکز انتشارات قوه قضائیه.



Intellectual property rights and its jurisprudential foundations in new media

Kamal Akbari¹

Abstract

Purpose: The purpose of the current research is to investigate the intellectual property right and its jurisprudential foundations in new media

Methodology: This paper tries to identify the concept of copyright and its relationship with intellectual property through exploratory analytical method and then describe the elements of this concept and its place in the laws and its principles, while expressing the jurisprudential view in this regard, to investigate and explain this concept jurisprudentially and its impact on the social system.

Findings: The findings show that in 1379, a law called "the Computer Software Protection Act" was passed, expanding national protection of intellectual property in Iran. Different views on the legitimacy of intellectual property among jurists have led to the presentation of different judicial decree in this regard.

Conclusion: Based on the findings, solutions can be prepared to improve the use of digital media space by following intellectual property concepts; It is necessary for authors and owners of the work to become familiar with their rights in this field and use them in production processes to distribute and reproduce. 2. Considering the acceptance of the spiritual and moral dimension of intellectual property rights by Islamic jurists and scholars, in some cases where international concepts of intellectual property are hardly accepted by users and consumers, by referring to religious teachings in this field, the shortcomings can be covered. 3. Shiite jurists have different views on copyright, but there are favorable intellectual grounds for further explanation and more detailed theology in order to overcome some of the nodes in this field.

Keywords: intellectual property, copyright, literary and artistic property, digital media